

Opportunities and Obstacles Existing in the Path of Expanding Civil Society in the Islamic Republic of Iran

Mehdi Khoshkhati¹, Seyyed Farshid Jafari Pabandi², Baballah Fathi³

¹ Ph.D., Student, Department of Political Science, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran. boft49@gmail.com

² Department of Political Science and International Relations, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran (Corresponding author). M.Khoshkhatti55@gmail.com

³ Department of Political Science and International Relations, Za.C, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. Fjafari@z@gmail.com

Abstract

The formation of a desirable civil society possesses important functions such as reducing social and political conflicts, preventing unilateralism, and limiting the sphere of influence and aggression of the state in societal affairs. The most important civil institutions in Iran can be divided into four groups: semi-governmental civil organizations, non-governmental organizations (NGOs), Islamic councils of cities and villages, and political parties. The majority of member individuals belong to closed institutions and social institutions such as religious *Hay'at* (delegations/bodies). The main question of the present research is: What obstacles do the grounds for the realization of civil society in the Constitution of the Islamic Republic of Iran face? The research method was descriptive-analytical, and the results indicate that many of the foundations and grounds for the creation and expansion of civil society—such as citizenship rights, support for the formation of parties and holding gatherings, attention to the people's right to sovereignty and creating the ground for their participation in their social destiny, as well as the emphasis on fighting autocracy and totalitarianism of the state—have been attended to by the constitutional legislator. The ambiguous and limited interpretation of Constitutional principles, the supervision and control of the government and state over Constitutional principles, the non-existence of powerful civil institutions, non-governmental organizations, and popular formations, the shortage of free and independent media, and the structure of the rentier state are what allow statesmen to obstruct the creation of civil gatherings and formations. The Constitution ruling over Iran has emphasized the creation of many of the foundations for the realization and expansion of civil society; however, due to certain limitations as well as certain economic and social structures, the realization of a desirable civil society in Iran faces many obstacles. Public media, too, mainly due to the need for government financial support, do not fulfill their role in the enlightenment and dissemination of public opinion and possess a less critical approach toward the government and officials.

Keywords: Civil Society, State, Constitution of Iran, Rentier State, Freedom.

Received: 2025-02-06 ; Received in revised form: 2025-03-17 ; Accepted: 2025-04-04 ; Published online: 2025-07-01

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2047180.2261>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



فرصت‌ها و چالش‌های موجود در مسیر گسترش جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

مهدی خوش‌خطی^۱، سید فرشید جعفری پابندی^۲، باب‌الله فتحی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. boft49@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

M.Khoshkhatti55@gmail.com

^۳ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. Fjafariz@gmail.com

چکیده

شکل‌گیری جامعه مدنی مطلوب، کارکردهای مهمی مانند کاهش تعارضات اجتماعی و سیاسی و جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی و محدود کردن حوزه نفوذ و تجاوز دولت در امور جامعه دارد. مهم‌ترین نهادهای مدنی در ایران، به چهار گروه: سازمان‌های مدنی نیمه‌دولتی، سازمان‌های غیردولتی، شوراهای اسلامی شهر و روستا و احزاب سیاسی قابل تقسیم است. بیشترین افراد عضو متعلق به نهادهای بسته و نهادهای اجتماعی مثل هیأت‌های مذهبی است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که بسترهای تحقق جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با چه چالش‌هایی روبرو است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان می‌دهد که بسیاری از مبانی و بسترهای ایجاد و گسترش جامعه مدنی مانند حقوق شهروندی، حمایت از تشکیل احزاب و برگزاری تجمعات، توجه به حق حاکمیت مردم و ایجاد بستر برای مشارکت آنها در سرنوشت اجتماعی خود و همچنین تاکید بر مبارزه با خودکامگی و تمامیت‌خواهی دولت، مورد توجه قانونگذار اساسی قرار گرفته است. تفسیر مبهم و محدود اصول قانون اساسی، نظارت و کنترل دولت و حکومت بر اصول قانون اساسی، عدم وجود نهادهای مدنی قدرتمند، سازمان‌های غیردولتی، تشکل‌های مردمی، کمبود رسانه‌های مستقل و ساخت دولت رانتیر است که این امکان را به دولت‌مردان می‌دهد تا بر سر ایجاد تجمعات و تشکل‌های مدنی مانع تراشی کنند. قانون اساسی حاکم بر ایران، ایجاد بسیاری از مبانی تحقق و بسط جامعه مدنی را مورد تاکید قرار داده است، اما به دلیل برخی محدودیت‌ها و همچنین برخی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، تحقق جامعه مدنی مطلوب در ایران با چالش‌هایی مواجه است.

واژه‌های کلیدی: جامعه مدنی، دولت، قانون اساسی ایران، دولت رانتیر، آزادی.

استناد به این مقاله: خوش‌خطی، مهدی؛ جعفری پابندی، سید فرشید؛ فتحی، باب‌الله (۱۴۰۴). فرصت‌ها و موانع موجود در مسیر گسترش جامعه مدنی

در جمهوری اسلامی ایران. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۲): ص ۲۱۷-۲۳۲. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2047180.2261>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

شکل‌گیری جامعه مدنی مطلوب در یک جامعه، کارکردهای مهمی مانند کاهش تعارضات اجتماعی و سیاسی و جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی و محدود کردن حوزه نفوذ و تجاوز دولت در امور جامعه دارد. همچنین، می‌تواند به ارتقای معیارهای دموکراتیک و احترام به حقوق و آزادی‌های عمومی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، افزایش مشارکت فعال شهروندان در عرصه عمومی و بهبود عملکرد دولت در اداره امور جامعه کمک کند (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ص ۸۱). مهم‌ترین نهادهای مدنی در شرایط فعلی ایران، به چهار گروه اصلی دسته‌بندی می‌شوند: نخست) سازمان‌های مدنی نیمه‌دولتی. دوم) سازمان‌های غیردولتی. سوم) شوراهای اسلامی شهر و روستا. چهارم) احزاب سیاسی. چنان‌که براساس برآوردها ۴۸ درصد مردان ایرانی، بیشترین میزان همکاری و عضویت را در هیئت‌های مذهبی دارند و نرخ عضویت آنها در احزاب و گروه‌های سیاسی، کمی بیشتر از ۴ درصد است (مسعود و ساعی، ۱۳۹۶: ص ۲۰۸). این امر به‌خوبی نشانگر مشارکت سنتی و محدود اکثریت جامعه ایرانی در نهادهای اجتماعی است و ضعف جامعه مدنی و مشارکت به‌معنای مدرن آن را نشان می‌دهد. بر همین اساس، بیشترین میزان فعالیت نهادها و سازمان‌های مدنی، در برخی امور مالی و خیریه‌ها و فعالیت‌های عام‌المنفعه است. همچنین، براساس اطلاعات و برآوردهای مرکز مشارکت زنان، زنان ایرانی نیز بیش از همه در مؤسسات و انجمن‌های خیریه فعال هستند و این مراکز، حدود ۲۳ درصد تشکّل‌های مدنی زنان را شامل می‌شوند (هاشمی، ۱۴۰۳). بدین ترتیب، با توجه به شرایط فعلی می‌توان گفت که جامعه مدنی در ایران به سه بخش جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش حقوق بشر خلاصه می‌شود. جریان دانشجویی بعد از انقلاب اسلامی ایران و از دهه ۸۰ به بعد، ماهیت اعتراضی به خود گرفت و هرچند در پاره‌ای اوقات دچار انفعال یا سرخوردگی سیاسی شده است؛ لکن همچنان می‌توان جریان دانشجویی را یکی از محورهای مهم و تأثیرگذار جامعه مدنی ایران، خصوصاً در میان نسل جوان دانست. جنبش زنان نیز به‌ویژه طی دو دهه اخیر در ایران، ظهور و بروز چشمگیری داشته است. هدف اصلی این جریان، تلاش برای دستیابی به حقوق عادلانه نسبت به مردان مانند حق حضانت مادران، حقوق مربوط به ازدواج و طلاق، امکانات برابر برای اشتغال و مواردی مشابه آن است. البته در کنار این دو جریان، می‌توان به جنبش حقوق بشر نیز اشاره داشت که به‌ویژه در سال‌های اخیر، علاوه بر پیگیری حقوق برابر میان زنان و مردان، در جهت دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و حمایت از حقوق و منافع اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز بسیار فعال بوده است. با حضور این جنبش‌ها در فضای سیاسی ایران و وجود جامعه دینی در ایران، تحقق و بسط جامعه مدنی، همواره مورد مناقشه بوده و علی‌رغم تمامی تلاش‌ها و با وجود فرازونشیب‌های مختلف در تاریخ معاصر ایران جهت توسعه

سیاسی، جامعه مدنی در کشور ما نمود چندانی نداشته است. هدف اصلی این نوشتار، تلاش برای درک چالش‌های تحقق جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران است که این امر با بررسی بسترهای جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر می‌باشد. بدین ترتیب، سؤال اصلی این پژوهش این است که: بسترهای تحقق جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟ یافته‌های تحقیق که با روش توصیفی و تحلیلی به‌دست آمده‌اند، نشان می‌دهد بسترهای جامعه مدنی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌سبب عواملی مانند ضعف مشارکت سیاسی و اجتماعی نقادانه، ضعف اعتماد اجتماعی، کمبود رسانه‌های مستقل و ساخت دولت رانتیر در جامعه، تحقق جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در این مقاله، ابتدا با تعریف و بررسی مفهوم جامعه مدنی به روش توصیفی و تحلیلی، بسترهای موجود جامعه مدنی را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده و سپس، به مهم‌ترین موانع و چالش‌های تحقق جامعه مدنی در ایران خواهیم پرداخت.

۲. جامعه مدنی

تحقق جامعه مدنی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه همه‌جانبه، در عرصه‌های سیاسی و حتی اقتصادی مطرح می‌شود. ارائه یک تعریف مطلق و جامع از جامعه مدنی ممکن نیست؛ چراکه در ماهیت جامعه مدنی، پویایی و تحول وجود دارد؛ بنابراین، مشخصات آن هم در طول تاریخ و در جوامع مختلف دچار تحول شده است. به همین دلیل، صاحب‌نظران در مقاطع گوناگون زمانی و مکانی در برخورد با جامعه مدنی، براساس حساسیت‌ها و دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی‌شان مفاهیم خاصی از جامعه مدنی ارائه داده‌اند (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ص ۷۵). به‌طور کلی، از نظر تاریخی مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی به پنج معنای متفاوت به‌کار رفته است: به مفهوم دولت در اندیشه ارسطویی، به مفهوم جامعه متمدن در اندیشه آدم فرگسون، به مفهوم شکل اولیه تکوین دولت در اندیشه هگل، به مفهوم حوزه روابط مادی و اقتصادی در اندیشه مارکس و جامعه مدنی به‌عنوان جزئی از روبنا و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک در اندیشه آنتونیر گرامشی که سه برداشت آخر، ریشه‌های اصلی کاربرد مفهوم جامعه مدنی می‌باشند (بشیریه، ۱۳۸۱: ص ۳۳۱). بنابراین، باید گفت که فعالان در جامعه مدنی سعی می‌کنند نظام سیاسی را به‌وسیله جامعه سیاسی (احزاب و سازمان‌های سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای پارلمانی) تحت تأثیر قرار دهند. بدین ترتیب، اکنون اصطلاح جامعه مدنی به مجموعه‌ای از نهادها و انجمن‌ها (مستقل و غیرحکومتی) اشاره دارد که فاصله یا فضای بین مردم و حکومت را پر می‌کنند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ص ۱۰۰). اندیشمندان، تعریف

جامعه مدنی را در حوزه روابط اجتماعی خلاصه می‌کنند. عده‌ای جامعه مدنی را به‌مثابه فرهنگ زندگی روزمره می‌گیرند که دارای اجزایی مانند انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها، کلیساها، دانشگاه‌ها، جامعه‌های علمی و ادبی، باشگاه‌ها و تیم‌ها و غیره می‌باشد و در نهایت، به کسب آموزه‌های جدید، آگاهی و توافق بر سر اصول عدالت و شناخت بیشتر افراد از یکدیگر منجر می‌گردد (Rawls, 1997: p. 45). گروهی دیگر، جامعه مدنی را شامل مجموعه‌ای از اتحادیه‌های مستقل از دولت می‌دانند که شهروندان را در امور مورد علاقه جمعی با یکدیگر متحد می‌کند (Taylor, 1991: p. 52). به‌طور کلی، جامعه مدنی تعریف گسترده‌ای است و شامل تمامی نهادها و جنبش‌های فکری می‌شود که در جامعه بین حوزه دولت و حوزه فرد و خانواده قرار دارند. بدین ترتیب، جامعه مدنی علاوه بر گروه‌های تجاری سودطلب، اتحادیه‌ها و تعاونی‌های کارگری، سازمان‌های مذهبی، انجمن‌های مردمی، گروه‌های طرفدار حقوق بشر، گروه‌های زنان، اتحادیه‌های حرفه‌ای، گروه‌های تولیدی، بنیادها، مؤسسات خیریه، انجمن‌های دیوان‌سالاران سطح پایین، انجمن‌های منطقه‌ای، تشکلهای روشنفکران و گروه‌های دانشجویی را نیز شامل می‌شود (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ص ۴۷). امروزه اصطلاح جامعه مدنی در علوم اجتماعی معمولاً در مقابل دولت، به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکلهای خصوصی و مدنی (غیرخصوصی) را دربرمی‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۱: ص ۳۲۹). در واقع، جامعه مدنی حوزه‌ای است عمومی و مستقل از دولت که با هدفی مشخص و بدون چشم‌داشت مالی، یعنی بدون هدف اقتصادی، در بستر جامعه تشکیل می‌شود. سازندگان و اعضای جامعه مدنی هم مردم هستند؛ مردمی که داوطلبانه و براساس تمایلات و توانایی‌هایشان در شکل دادن و متحول کردن جامعه مدنی شرکت می‌کنند (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ص ۷۶). بنابراین، جامعه مدنی جامعه‌ای است که مردم در آن از طریق نهادهای مدنی با دولت در ارتباط می‌باشند. بنابراین، نهادهای مدنی نهادهایی هستند که با عنوان واسطه میان مردم و دولت عمل می‌کنند؛ خواسته‌های مردم را جمع‌بندی کرده و در اختیار حاکمیت یا دولت قرار می‌دهند. یکی از ویژگی‌های نهادهای مدنی این است که ساخته دست مردم بوده و دولت در ساخت آن دخالتی ندارد و بودجه آن توسط مردم تهیه و تنظیم می‌شود. از این رو، احزاب و مطبوعات دولتی، جزو نهادهای مدنی به‌شمار نمی‌روند؛ چون نماینده منافع مردم نبوده و در برابر مردم پاسخگو نیستند (لک‌زایی، ۱۳۹۱: ص ۲۵۶).

۲-۱. جامعه مدنی و سازگاری با دین

همان‌طور که بیان شد، جامعه مدنی در ساختار اجتماعی هر جامعه‌ای نقش واسطه میان مردم و حاکمیت

را بازی می‌کند. در واقع، نهادهای مدنی با جمع‌آوری تقاضاها و خواسته‌های مردمی، آنها را در اختیار حاکمیت قرار می‌دهد؛ تا حاکمیت به درخواست‌ها پاسخ دهد. به‌طور کلی، نهادهای مدنی ارتباطی دوسویه میان مردم و حاکمیت است. می‌توان گفت که در ایران مطبوعات، احزاب، اصناف، انجمن‌های مختلف، سندیکاهای مختلف، مرجعیت و هیئات مذهبی، نقش نهادهای مدنی را اجرا می‌کنند. در ارتباط با سازگاری جامعه مدنی با دین و مؤلفه‌های اسلامی در ایران می‌توان دو گروه عمده را شناسایی کرد. نخست کسانی که تحقق جامعه مدنی را در تعارض و ناسازگار با دین می‌دانند. از نگاه این طیف، دینی شدن جامعه در اولویت همه اهداف است و جامعه مدنی در برخی مؤلفه‌ها با رویکرد دین در تعارض بوده و نمی‌توان شاخص‌های آن را در یک جامعه دینی به‌عینیت رساند. آنها معتقدند جامعه مدنی، جزء ارزش‌های غربی و مبتنی بر اندیشه لیبرالیسم سکولار است و گاهی معارض اندیشه‌های دینی عمل کرده و از این‌رو، مورد تأیید اسلام نیست. در مقابل این طیف، دیدگاهی وجود دارد که معتقد به سازگاری جامعه مدنی با ارزش‌های مذهبی است. در این نگرش، خداوند انسان را به‌عنوان خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده و او را به‌واسطه نعمت عقل، عهده‌دار تنظیم امور دنیوی و حل مسائل زندگی خود کرده است؛ هرچند در این مسیر، قوانین و ارزش‌های کلی وجود دارد که شریعت به آنها رهنمون می‌گردد (قطبی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۴۰). می‌توان گفت این رویکرد، حاصل تفکرات جریان روشنفکری دینی بوده که هدف آن ایجاد سازگاری میان ارزش‌های جامعه مدرن با اندیشه‌های دینی و مذهبی است. بخشی از متفکران در ایران با تأثیرپذیری از الگوی لیبرال دموکراسی غربی، جامعه مدنی را در بستر فرهنگ سکولار غربی تفسیر می‌کنند. تفاوت این طیف با تفکر روشنفکران دینی، آن است که این اندیشمندان به فکر ایجاد رابطه میان دین و جامعه مدنی نیستند و بالعکس معتقدند در نظام دینی، مؤلفه‌هایی به‌وجود آمده که ناسازگار با تحقق جامعه مدنی به‌شکل مدرن آن است (پدرام، ۱۳۸۱: ص ۴). از نظر آنها جامعه مدنی حوزه‌ای بین دولت و جامعه است که مبتنی بر پلورالیسم و لیبرالیسم است و مؤلفه‌هایی مثل عقل و خرد بشری و اهمیت توسعه و تحقق مطلق لیبرالیسم و آزادی‌های فردی و جمعی تعریف می‌شود. آنها معتقدند جامعه مدنی در صورتی محقق می‌گردد که مردم از طریق مشارکت عمومی در ساحت سیاست و قانون‌گذاری، حقوق خود را مشخص و مطالبه نمایند (بشیریه، ۱۳۷۶: ص ۳۲۹).

۲-۲. جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مفاهیم مرتبط با جامعه مدنی به‌طور مستقیم و در قالب یک فصل مشخص ذکر نشده است؛ ولی اصول و مفاهیمی مانند شکل‌گیری و فعالیت احزاب، آزادی بیان، آزادی

اجتماعات، آزادی مطبوعات و حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود در قانون اساسی وجود دارد که زمینه‌ساز شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران است.

۲-۲-۱. مبانی جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

همه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با جامعه مدنی عبارتند از: اصل ۲۶: آزادی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اسلامی و سایر انجمن‌ها، مشروط به اینکه اصول استقلال و آزادی و وحدت ملی و موازین اسلامی را نقض نکنند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸). اصل ۲۷: آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها، مشروط به اینکه منحل به مبانی اسلام نباشد (همان). اصل ۲۴: آزادی مطبوعات و نشریات، مشروط به اینکه منحل به مبانی اسلام نباشد (همان). اصل ۶: نقش مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق انتخابات و مراجعه به آرای عمومی (همان). اصل ۸: امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان وظیفه همگانی، که می‌تواند بستر مشارکت مدنی را فراهم کند (همان). همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اکثر مبانی و شاخصه‌های جامعه مدنی را دارا می‌باشد و قابلیت آن را دارد تا در جامعه ایرانی محقق شود.

۲-۲-۳. بسترهای جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

الف) اصل حاکمیت مردم: اصل پنجاه‌وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح می‌کند که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خود حاکم کرده است. این بدان معنا است که در نظام جمهوری اسلامی حق تعیین سرنوشت ملت، ماهیتی دینی و اعتقادی یافته و در نتیجه، منافاتی میان حاکمیت خدا و حاکمیت انسان وجود ندارد. طبعاً تحقق اصل حاکمیت ایجاب می‌کند که مردم قادر باشند این حق را از مجرای نهادها و تشکلهای مستقل و البته از طریق مسالمت‌آمیز و مطابق با قوانین، اعمال نمایند. این حق، عام بوده و شامل امکان پیگیری حقوق اساسی، اجتماعی، سیاسی و تمام خواسته‌های قانونی و شهروندی است و از این‌رو، نهادها و تشکلهای مدنی بخشی از حقوق اساسی ملت بوده و باید در حمایت قانون باشد. چنانکه به‌موجب اصل اول قانون اساسی، نظام حاکم بر ایران «جمهوری اسلامی» است و به نوعی ثنویت در حاکمیت تأکید می‌کند. به این معنا که جمهوریت نشانه حاکمیت ملی و اسلامیت بیانگر حاکمیت دینی است (هاشمی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۳). از این جهت و براساس اصل پذیرش حاکمیت انسان، قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در بستر آرای مردمی ایجاد می‌شوند و اداره امور باید با اتکاء به آرای عمومی انجام گیرد. چنان‌که

قوه مقننه نهادی است که به صورت مستقیم با رأی و نظر مردم ایجاد شده و مظهر اراده ملت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود است (جوان آراسته، ۱۳۸۰: ص ۶۸). از سوی دیگر، بند ششم اصل سوم قانون اساسی نیز بر محور هرگونه خودکامگی و استبداد و انحصارطلبی تأکید دارد و در این راستا دولت را موظف می‌دارد تا برای تحقق این امر، توان و امکانات خود را به طور کامل به کار گیرد. همچنین در اصول متعدد دیگری از قانون اساسی مانند اصول ششم، هفتم و نهم بر مردم‌سالاری و همچنین، آزادی و استقلال و وحدت کشور تأکید شده و تصریح می‌کند که این اصول از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند.

ب) حمایت از آزادی‌های مدنی: احترام به آزادی و تحقق و حمایت از آن در قانون، جزء مبانی اولیه ایجاد و بسط جامعه مدنی است. در مکاتب فکری و فرهنگی و سیاسی مختلف، فهم متفاوتی از آزادی وجود دارد و همواره، محدودیت‌هایی نیز برای آن تعریف می‌شود. درحقیقت، آزادی مطلق، مطلوب هیچ جامعه‌ای نیست و مرزهای تحقق آزادی عمدتاً مورد توجه قوانین بوده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، محدودیت‌های عمده‌ای که در مسیر آزادی مدنی وضع شده‌اند، شامل موازین شرعی، مصالح و حقوق عمومی و همچنین، اصول نظام مانند وحدت ملی و استقلال و حفظ تمامیت ارضی کشور است. تردیدی نیست که مهم‌ترین شرط تحقق آزادی، ایجاد آرامش و امنیت در جامعه است؛ در غیر این صورت، آزادی سبب هرج‌ومرج و آشوب و آسیب به آزادی و حقوق عمومی خواهد شد. باید خاطر نشان کرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مطابق اصل بیست‌وششم، «جمعیت‌ها، احزاب و انجمن‌های سیاسی و صنفی و همچنین انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های شناخته‌شده در قانون، در فعالیت‌های خود آزادند؛ به شرط آنکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. بر این اساس، هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در این اجتماعات منع و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت». از دیگر سو، از آنجاکه حمایت از تشکیل اجتماعات و احزاب و انجمن‌ها، نیازمند مشارکت و فعالیت آنها در امور مختلف جامعه و از جمله حوزه سیاست است، در اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی تصریح شده که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح و به شرطی که مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد، آزاد است. علاوه بر این، قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور مستقل به بحث آزادی بیان و مطبوعات نیز پرداخته است. براساس اصل بیست‌وچهارم این قانون، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب خود آزادند؛ مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد». در اصل پنجاه‌وهفتم نیز به آزادی بیان و آزادی نشر افکار و اندیشه‌ها در صدا و سیما مشروط به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور، تأکید شده است. همچنین امر به معروف و نهی از منکر به عنوان راهکار تحقق اصل نظارت همگانی در روابط میان دولت و مردم در قانون

اساسی جمهوری اسلامی، مدنظر قرار گرفته است که می‌توان آن را از مصادیق آزادی بیان نیز قلمداد کرد. علاوه بر اینها، می‌توان تصریح قانون اساسی بر آزادی اظهارنظر نمایندگان مجلس را مدنظر قرار داد؛ چنان‌که مطابق اصل هشتادوششم قانون اساسی، «نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در جهت انجام وظایف نمایندگی، در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزاد هستند و نمی‌توان آنها را به واسطه اظهارنظر در مجلس یا آرائی که در حوزه اختیارات خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد». همچنان‌که در اصل هشتادوچهارم نیز بر مسئولیت نمایندگان مجلس در برابر آحاد ملت تصریح شده و بر حق آنها در سؤال و استیضاح هیئت دولت و اظهارنظر در امور داخلی و خارجی تأکید می‌گردد. در رابطه با احترام به حریم خصوصی شهروندان نیز در اصل بیست‌وپنج قانون اساسی آمده است، بازرسی و نرساندن نامه‌ها، فاش کردن یا ضبط مکالمات تلفنی، سانسور، استراق سمع و هر نوع تجسس ممنوع بوده و اعمال آنها در شرایط استثنایی و تنها با مجوز قانونی امکان دارد.

ج) اهمیت نقش شوراهای: قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل هفتم، شوراها را به‌عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیری در کشور، چه در سطح خرد و چه در سطح میانه و همچنین مسائل مرتبط با استان‌ها و شهرها و روستاها معرفی می‌کند. مطابق قوانین ایران، شوراهای اسلامی حق انتخاب شهرداران، بخشداران و دهداران را دارند. همچنین، اختیار ارائه لوایح و طرح پیشنهاد در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در شهر یا روستای محل خود را دارند و مسئول نظارت بر نهادهای شهری و روستایی هستند. به‌علاوه، شورای روستاها، حلقه ارتباط روستاییان با مراجع بالاتر و همچنین محلی برای حل و فصل اختلافات محلی به‌شمار می‌رود.

۳. چالش‌های جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

۳-۱. ضعف مشارکت سیاسی و اجتماعی نقادانه

به‌طور کلی، مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد جامعه، جزء ارکان شکل‌گیری جامعه مدنی محسوب می‌شود. این مشارکت باید به نحوی باشد که اولاً، از طریق بسیج همه امکانات، نوعی قدرت جمعی حاصل شود که سبب استحکام انسجام اجتماعی گردد. ثانیاً، از طریق مشارکت عمومی، استعدادها و توانمندی‌های جامعه شناسایی و شکوفا شده و در مسیر توسعه اجتماعی به‌کار گرفته شود. از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی را می‌توان در دو دسته تعریف و تقسیم‌بندی کرد:

نخست، مشارکت اجتماعی عادی که با مؤلفه‌هایی مانند تعداد افراد رأی‌دهنده در انتخابات مختلف و یا میزان اطلاعات و حساسیت شهروندان از حوادث جامعه - از طریق مطالعه روزنامه‌ها یا پیگیری اخبار از

رسانه‌های آزاد جمعی - سنجیده می‌شود.

دوم، مشارکت اجتماعی نقادانه که از طریق حضور در راهپیمایی‌ها، تجمعات و جنبش‌های مدنی و اجتماعی اندازه‌گیری می‌گردد.

در این رابطه باید توجه داشت که قوانین ایران، بستر مشارکت نهادی و حداکثری مردم در ساختار سیاسی را پیش‌بینی نکرده؛ به‌ویژه آنکه زمینه این مشارکت در حوزه نقادانه نیز بسیار اندک است. اهمیت این نکته از آنجا ناشی می‌شود که حاکمیت سیاسی در ایران با تحولات نشأت‌گرفته از نوسازی اجتماعی مواجه شده و بر خواست گروه‌های مختلف غیردولتی جهت مشارکت در امر سیاست و رقابت در آن به سرعت اضافه می‌شود. طبعاً ایجاد چنین فضای رقابتی، نیازمند ساختارهای نهادینه‌شده قانونی و اجتماعی و فرهنگی است که در جامعه ایران بسیار محدود و ناکارآمد بوده و خود از چالش‌های مهم گسترش جامعه مدنی به‌شمار می‌رود (بشیریه، ۱۳۹۱: ص ۱۰۹). به‌عنوان مثال، با آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی صراحتاً به آزادی‌های اجتماعی مانند آزادی احزاب، تجمعات و راهپیمایی‌ها تأکید دارد؛ لکن از آنجا که قوانین لازم جهت جذب مشارکت عمومی و تنظیم تشکل‌ها و احزاب و انجمن‌های مدنی تدوین نشده‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که احزاب و انجمن‌های مستقل شکل بگیرند و در راستای تحقق جامعه مدنی در ایران تلاش کنند.

۳-۲. ضعف اعتماد اجتماعی

در مقام تعریف اعتماد اجتماعی باید گفت که این مفهوم به‌حدی به شناخت متقابل و اطمینان آحاد جامعه نسبت به هم اشاره دارد که زمینه روابط اجتماعی هدفمند را چه در سطح مردم با یکدیگر و چه در سطح مردم با دولت فراهم می‌آورد. در حقیقت، در صورت عدم ایجاد اعتماد اجتماعی، نهادهای دموکراتیک به‌نحو مطلوب شکل نمی‌گیرند و وحدت، نظم، تعادل و ثبات اجتماعی نیز به‌شدت آسیب می‌بیند (همان: ص ۱۱۱). اعتماد اجتماعی جزء پیش‌شرط‌های توسعه همه‌جانبه قلمداد می‌شود؛ چراکه با ایجاد و بسط اعتماد متقابل اجتماعی است که جامعه قادر خواهد بود در مقابل آسیب‌های اجتماعی مثل فساد اقتصادی، تفرقه، دروغ و تملق بایستد و به پرورش تعهد، پاک‌دستی، وظیفه‌شناسی و امانت‌داری کمک برساند.

۳-۳. کمبود رسانه‌های مستقل

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اصل مشارکت مردم در سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود تأکید ویژه‌ای شده و دولت موظف گردیده تا بستر و امکانات لازم جهت مشارکت مردم را مهیا سازد. از جمله الزامات مشارکت صحیح جامعه، آگاهی است و رسانه‌ها و مطبوعات آزاد، ابزار ایجاد این آگاهی به‌شمار

می‌روند. حتی اصل امر به معروف و نهی از منکر که به‌عنوان یک مبنای اعتقادی در قانون اساسی مطرح شده است، نیازمند آگاهی از منکرات و امور معروف اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و به‌نوعی می‌توان گفت که بستر تقویت این اصل اسلامی در حوزه‌های عمومی هم، رسانه‌های مستقل و آگاهی‌بخش است (مالکی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۶). چنانکه اشاره شد، اصل بیست‌و‌چهار قانون اساسی بر آزادی مطبوعات تصریح داشته و البته قید می‌کند که این آزادی مشروط و محدود به آن است که «مخل مبنای اسلام یا حقوق عمومی» نباشد. از این جهت، می‌توان گفت که مفاد این اصل و تبیین مفاهیم آن می‌تواند در جهت فهم سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی مؤثر واقع شود. اما آنچه آزادی رسانه‌ای در ایران را به چالش می‌کشد، آن است که به‌طور کلی، رسانه‌ها و به‌ویژه مطبوعات، بیش از همه مبلغ سیاست‌های دولت هستند. همچنین از جهت تاریخی، رسانه‌های عمومی از همان آغاز فعالیت در ایران، وابسته به حاکمیت بوده و اکثریت آنها تحت حاکمیت مستقیم دولت‌مردان بوده‌اند و یا به‌نوعی توسط ارگان‌های وابسته به دولت اداره می‌شدند. معذور رسانه‌های مستقل و غیردولتی هم همواره برای استمرار فعالیت خود، نیازمند مساعدت مالی دولت مانند بهره‌گیری از یارانه و یا جذب و درج آگهی‌های دولتی بوده و هستند. همین عدم استقلال اقتصادی رسانه‌ها و نیاز آنها به کمک‌های مالی حکومت، سبب عدم انعکاس نقاط منفی و ضعف حکومت و نوعی چشم‌پوشی از اطلاع‌رسانی نسبت به مفاصل احتمالی دولت‌مردان می‌شود و در حقیقت، رویکرد انتقادی که رسانه‌های آزاد باید نسبت به مسئولان داشته باشند، تحت‌الشعاع وابستگی مالی آنها به دولت قرار می‌گیرد (نجف‌پور، ۱۳۹۳: ص ۷). اخبار و اطلاعات به‌نحو صحیح در جامعه انعکاس نمی‌یابد. در نتیجه این رویکرد، دستیابی رسانه‌ها به اخبار و اسناد محلی پرهزینه بوده و بعضاً دارای تبعات امنیتی و قضایی نیز برای آنها می‌شود.

۳-۴. ساخت دولت رانتیر در جامعه ایرانی

ساخت دولت تحصیل‌دار یا رانتیر و تأثیر آن در ایجاد موانع جدی در مسیر توسعه سیاسی، مسئله‌ای است که در تاریخ معاصر ایران بسیار به‌چشم می‌خورد. در یک تعریف اجمالی، اصطلاح دولت رانتیر در رابطه با دولتی به‌کار گرفته می‌شود که بخش اصلی درآمد آن از محل فروش منابع به خارج به‌دست می‌آید. در اصل، این درآمد، ارتباطی با فرآیند تولیدی کشور نداشته و در نتیجه، دولت برای تأمین بودجه خود نیاز چندانی به مردم ندارد. می‌توان گفت که امروزه در اکثر کشورهای تولیدکننده نفت، ساخت دولت رانتیر وجود دارد که کشور ما نیز یکی از آنها است. در یک ساختار رانتی، شیوه توزیع ثروت و درآمدهای ملی به‌نحوی است که انسجام جامعه مدنی را به چالش می‌کشد. به‌عبارتی، به جهت نابرابری در تخصیص درآمد میان افراد جامعه و

کنترل دولت بر اصلی‌ترین شریان اقتصاد کشور، تحقق و بسط جامعه مدنی با مشکلاتی مواجه است. این معضل سبب می‌شود تا اقشار و گروه‌های اجتماعی، به شدت به درآمدهای نفتی که در انحصار دولت است، محتاج باشند و این مسئله بر آسیب‌پذیری آنها نسبت به دولت می‌افزاید و روحیه مطالبه‌گری و نقادی را در جامعه مدنی کاهش می‌دهد. از این جهت احزاب، جنبش‌های اجتماعی و اغلب سازمان‌های مستقل از دولت، چندان رشد نکرده و نمی‌توانند به صورت کارآمد و حرفه‌ای در عرصه جامعه عمل کنند. در چنین ساختاری، دولت نیز چندان نیازی به گسترش جامعه مدنی و بهبود معیارهای دموکراتیک و توسعه سیاسی احساس نمی‌کند؛ چون خود کنترل‌کننده و توزیع‌کننده منبع اصلی ثروت است. البته درآمدهای نفتی می‌تواند نقش مثبتی هم بر جامعه مدنی داشته باشد و باعث رشد اقتصادی و در نتیجه، استقرار امنیت و ثبات اقتصادی شود. اما از طرف دیگر، خصلت دولت رانتیر باعث گسترش حجم دولت و دخالت و کنترل آن بر شئون جامعه و به تبع آن، تقویت بوروکراسی و تضعیف بخش خصوصی می‌شود.

۴. بسترهای تحقق جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین بسترهایی که باید در تحقق جامعه مدنی در ایران شکل بگیرد عبارتند از:

- (الف) **تغییر نگرش‌ها در ارتباط با مردم و جامعه:** تغییر نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی در جامعه و پذیرش بیشتر تنوع دیدگاه‌ها و مشارکت فعالانه مردم، از عوامل مهم در تحقق جامعه مدنی می‌باشد.
- (ب) **توسعه نهادهای مدنی:** تقویت و توسعه نهادهای مدنی مستقل و توانمندسازی آنها مثل شکل احزاب و مطبوعات مستقل می‌تواند نقش بسیار مهمی در تحقق جامعه مدنی در جامعه ایرانی ایفا کند.
- (ج) **اصلاح قوانین و رویه‌های اجرایی در جامعه:** اصلاح قوانین و رویه‌های اجرایی مرتبط با شکل‌گیری و فعالیت‌های مدنی و کاهش محدودیت‌ها، از دیگر عوامل مؤثر در تحقق جامعه مدنی در جامعه خواهد بود.
- (د) **حمایت از آزادی‌های اساسی:** حمایت از آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و سایر آزادی‌های اساسی، از مهم‌ترین الزامات تحقق جامعه مدنی در جامعه ایرانی می‌باشد.
- در مجموع، در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبانی نظری و برخی از اصول لازم برای شکل‌گیری جامعه مدنی را دربردارد؛ اما چالش‌هایی در مسیر تحقق کامل و عملی آن وجود دارد.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد تبیین بسترها و چالش‌های موجود در مسیر شکل‌گیری و بسط جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران برآمد. مفهوم جامعه مدنی در ادبیات صاحب‌نظران، معانی گوناگونی دارد اما برآیند

همه این نظریات، آن است که جامعه مدنی به کلیه گروه‌هایی اطلاق می‌شود که مردم‌نهاد بوده و مستقل از دولت عمل می‌کنند و با قدرت و حمایت قانون، درصدد محدود کردن قدرت و نظارت بر عملکرد دولت هستند و البته، مهم‌ترین مجرا برای انعکاس خواسته‌ها و دیدگاه‌های مردم نیز به‌شمار می‌روند. با این وصف کلیه احزاب، تشکّل‌های غیردولتی، سمن‌ها و حتی جنبش‌های اجتماعی، تحت عنوان جامعه مدنی قرار می‌گیرند. از این‌رو، جامعه مدنی نخست از دل آحاد جامعه آغاز به فعالیت می‌کند و بعد از آن، تقاضا و خواست مردم را در چارچوب سازمان‌های مدنی منعکس کرده و برای پیگیری این خواسته‌ها تلاش می‌کند. به این ترتیب، جامعه مدنی در دنیای امروز، قدرت عمل خود در حوزه عمومی را از حقوق تبیین‌شده در قانون می‌گیرد و خود قانون هم باید ضمانت اجرای خواسته‌های قانونی جامعه مدنی و الزامات عمل آن را فراهم سازد. بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که بسیاری از مبانی و بسترهای ایجاد و گسترش جامعه مدنی مانند حقوق شهروندی، حمایت از تشکیل احزاب و برگزاری تجمعات، توجه به حق حاکمیت مردم و ایجاد بستر برای مشارکت آنها در سرنوشت اجتماعی خود و همچنین، تأکید بر مبارزه با خودکامگی و تمامیت‌خواهی دولت، مورد توجه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است. اما نکته مهم قابل بحث در این زمینه آن است که برخی از این حقوق و آزادی‌ها، به اشکال مختلف توسط دولت یا نهادهای وابسته به آن مشروط و محدود گردیده و ایجاد بستر مناسب برای تحقق جامعه مدنی مطلوب را به چالش می‌کشد. به‌ویژه آنکه بسیاری از قوانین موجود در این رابطه شفاف نیست و همین امر خود زمینه سوءاستفاده و تفسیر به‌رأی سازمان‌های تمامیت‌خواه وابسته به دولت را فراهم می‌کند. علاوه بر اینها، برخی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران، بسیاری از پیش‌زمینه‌های فعالیت مؤثر جامعه مدنی را به چالش می‌کشد. یکی از مهم‌ترین این ساختارها، نظام مّکی بر دولت رانتیر است که سبب خودبسندگی دولت و عدم اتّکای مالی آن به جامعه و فرآیند تولیدی داخلی می‌شود. دولت رانتیر هم نگاهی تک‌بعدی به امر اقتصاد دارد و هم به‌واسطه بهره‌برداری از رانت، نیازی به شفافیت مالی احساس نمی‌کند. ساختار دولت رانتیر این امکان را به دولت مردان می‌دهد تا بر سر ایجاد تجمّعات و تشکّل‌های مدنی مانع‌تراشی کنند و رسانه‌های عمومی نیز عمدتاً به‌واسطه نیاز به حمایت مالی دولت، نقش خود در تئویر و نشر افکار عمومی را ایفا نمی‌کنند و کمتر رویکرد منتقدانه نسبت به دولت و مسئولان دارند. با وجود آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، غالب بنیان‌ها و مبانی تحقق و گسترش جامعه مدنی را مدنظر قرار داده؛ لکن به‌واسطه بسیاری شروط و محدودیت‌ها و خصوصاً وجود برخی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، تحقق مطلوب جامعه مدنی در ایران با چالش‌های مهمی مواجه است و از این جهت، نقش کم‌رنگی در مناسبات کشور دارد. به‌طور کلی، باید

گفت که می‌توان مهم‌ترین چالش‌ها و موانع تحقق جامعه مدنی را در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) تفسیر مبهم و محدود کردن اصول قانون اساسی: تفسیر قانون اساسی در هر نظام حقوقی جهت پاسخگویی به مسائل مطرح شده و ابهامات پیش آمده در اجرای قانون، امری ضروری است؛ اما همه نظام‌های حقوقی و صاحب‌نظران این علم و نهادهای مفسر، از رویکرد تفسیری واحدی پیروی نکرده‌اند. در هر رویکرد تفسیری، ابزارهای تفسیری مفسر و نتیجه حاصل از تفسیر متفاوت خواهد بود؛ امری که درباره قانون اساسی از ارزش بی‌بدیلی برخوردار است. آیا در تفسیر قانون اساسی به عنوان ام‌القوانین و سند تأسیسی یک جامعه، مفسر کاملاً مبسوط‌الید است تا هرآنگونه که اراده می‌کند، به تفسیر قانون اساسی بپردازد؛ یا اینکه در این راه در چهارچوبی کاملاً مشخص قرار دارد که مفسر را یارای آن نیست که این اصول و چهارچوب‌ها را کنار بگذارد؟ قانون اساسی بر این است که مفسر در تفسیر قانون از اصولی خاص پیروی کند و در چهارچوبی مشخص اقدام بعضی از اصول مربوط به آزادی‌ها، با تفسیر مبهم و اجرای محدودکننده آن توسط مفسرین قانون اساسی مواجه هستند که مانع تحقق کامل جامعه مدنی در جامعه می‌شود.

ب) نظارت و کنترل دولت بر اصول قانون اساسی: نظارت گسترده دولت بر فعالیت‌های جامعه مدنی و محدودیت‌های اعمال شده در این زمینه، از موانع بزرگ پیش‌روی تحقق جامعه مدنی در ایران است.

ج) عدم وجود نهادهای مدنی قدرتمند مثل احزاب در جامعه ایرانی: ضعف و فقدان نهادهای مدنی مستقل و قدرتمند، از جمله احزاب سیاسی، سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی، از دیگر موانع تحقق جامعه مدنی در ایران می‌باشد.

منابع

- آقای‌خشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر چاپار، چاپ دوم.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۱). *مجموعه مقالات در آمدی بر جامعه مدنی در ایران*. *ایران نامه*، شماره ۵۳.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶). *تحقیق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات)*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۱). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: نشر کارنو.
- پدرام، مسعود (۱۳۸۱). *نسبت ملیت و مذهب در وضعیت مدرن*. *روزنامه آفتاب*، شماره ۸، ص ۴.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۰). *مبانی حاکمیت در قانون اساسی*. *حکومت اسلامی*، شماره ۲۱: ص ۶۸.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶). *تحقیق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال (۱۳۶۸)*.
- قطبی، میلاد؛ بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۵). *محدودیت‌های آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی*. *حقوق بشر اسلامی*، شماره ۱۰، ص ۱۴۰.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۹۱). *تحولات سیاسی اجتماعی ایران*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مالکی، جلیل؛ واعظی، زهرا (۱۳۹۱). *آزادی مطبوعات در منظر حق دسترسی آزاد به مطبوعات*. *رهیافت*، شماره ۴: ص ۶-۷.
- مسعود، زهرا؛ ساعی، احمد (۱۳۹۶). *آینده‌پژوهی جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش تحلیل ماتریس SWOT*. *رهیافت/انقلاب اسلامی*، ۱۱(۳۹): ص ۲۰۸.
- نجف‌پور، شعبان (۱۳۹۳). *اخلاق در رسانه: چالش‌های اساسی و توصیه‌های ملی*. *اخلاق در علوم و فن‌آوری*، ۹(۳): ص ۷.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سید محمد (۱۴۰۳). *آمار میزان مشارکت جامعه مدنی در ایران*. قابل دسترس در:
- <https://amarfact.net/civil-statistics/171325/iez/2023>
- Rawls, J. (1997). *Erwiderung auf Habermas*. Hirsch Wilfried (Übers.). in: philosophische Gesellschaft, zur Idee despolitischen Liberalismus. Homburg
- Taylor, Ch. (1991). *Die Beschworung der civil Society in: Europa und civil Society*. Krzysztof Michalski (Hrg.) Kett-Cotta Verlag, Stuttgart.